

راه

اطلاعیه

توده

۲۷ مهرماه ۱۳۷۴

برای حمایت از جنبش آزادیخواهی در ایران بسیج شویم! کودتای "قانونی" علیه جنبش آزادیخواهی!

مجلس اسلامی لایحه ای را با شتاب تصویب کرد، که با استناد به آن، یورش به مطبوعات، مبارزان و آزادیخواهان قانونی است!

تنها طرفدار یورش همه جانبه به آن، بلکه طرفدار قانونی کردن این یورش (درواقع کودتای "قانونی" دولتی) هستند. لایحه تعزیرات با همین هدف و با اطمینان از نتایج انتخابات آینده مجلس و ریاست جمهوری و تمرکز کامل قدرت در دست جناح بندی رسالت و حجتیه تصویب شده است، تا از هم اکنون زمینه های قانونی آن فراهم آید.

دو انتخاب برای هاشمی

برای دولت کنونی دو راه حل باقی می ماند، یا اجرای این قانون و یا استیضاح و کناره گیری، بدلیل عدم اجرای قوانین مصوبه مجلس! اظهارات اخیر ناطق نوری، رئیس مجلس اسلامی مبنی بر اینکه مجلس اسلامی آنقدر قدرت دارد که می تواند رئیس جمهوری را نیز برکنار کند، اشاره به همین نکته و دعوت از هاشمی رفسنجانی به همراهی و هماهنگی با این کودتاست.

فرا خواندن خامنه ای

فرا داده های گوشخراش روزهای اخیر تظاهرکنندگان حرفه ای و مزد بگیر سازمان تبلیغات اسلامی، تحت نام انصار حزب الله، با وعده «ما همه سرباز توایم خامنه ای» نیز پیش از آنکه بیانگر حمایت جناح بندی رسالت-حجتیه از خامنه ای باشد، تهدید او برای همراهی و حمایت آشکار از توطئه کودتای این جناح بندی است! هدف آنها سرکوب باقی مانده آزادی ها، اعمال مقررات خشن و ارتجاعی مذهبی بر جامعه، پیگیری طرح واگذاری قوه مجریه کشور به "بازار"، بستن مطبوعات و دوختن لب ها و ادامه معامله و زدویند آشکار و پنهان با انگلستان و امریکا و... است!

آنها تجربه حرکت پشت شعار حمایت از ریاست جمهوری را در انتخابات دوره چهارم مجلس اسلامی و سپس خالی کردن زیر پای هاشمی رفسنجانی را، پس از پیروزی در انتخابات، در اختیار دارند و براساس همین تجربه اکنون شعار حمایت از رهبری را سر داده اند و خود را سرباز او معرفی می کنند! آنها همانقدر به ولایت فقیه و مقام رهبری و این نوع پست و مقام های دولتی-مذهبی باور دارند که به دولت قدرتمند هاشمی رفسنجانی باور داشتند!

همه قرائن حکایت از آن دارد، که جناح بندی رسالت-حجتیه با پشتیبانی و حمایت جریانات بین المللی، چنین بی پروا و بی اعتنا به همه اظهار نظرهای اخیر پیرامون لزوم بازگشت آزادی ها به جامعه پیش از برگزاری هر نوع انتخاباتی، برای کودتا در ایران خیز برداشته است. بهمین دلیل باید این زدویند ضد ملی را بصورت گسترده در میان مردم افشا کرد و از جنبش کنونی متردم ایران برای آزادی ها سدی استوار در برابر این کودتا بوجود آورد.

جنبش آزادیخواهی

آیا لایحه اخیر تعزیرات و اصولا توطئه جناح بندی سرمایه داری تجاری وابسته و روحانیت شریک و حامی آن برای قبضه کامل قدرت در ایران به پیروزی خواهد رسید؟

مجلس اسلامی در چند جلسه نشست و برخاست بی سابقه در تاریخ معاصر ایران، لایحه ای را تحت عنوان "تعزیرات" به تصویب رساند که در واقع باید آنرا بیانیه یک فرماندار نظامی پس از یک کودتای خونین ارزیابی کرد. براساس این لایحه، چنانچه تماس و گفتگوی عادی مردم نیز مطابق مصوبات جدید مجلس نباشد، تماس گیرنده و گفتگوکننده باید راهی زندان شود!

تفاوت این لایحه با بیانیه فرماندار نظامی کودتا، تنها در آن است، که بیانیه فرمانداری نظامی معمولا از روی سر پارلمان ها و پیش از کودتا تهیه شده و پس از کودتا اعلام می شود، اما لایحه مجلس اسلامی پیش از اجرای کامل کودتا و توسط مجلس تهیه و اعلام شده است، تا به کودتای در حال تدارک جنبه باصطلاح قانونی بدهد!

ماده ۳ این لایحه، که روز سه شنبه ۲۵ مهر در مجلس اسلامی تصویب شد، تصریح می کند: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو تبلیغ نماید، به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»

بدین ترتیب لایحه جدید تعزیرات، نه تنها هر نوع اظهار نظر فردی، سازمانی، مطبوعاتی درباره امور مملکت را ممنوع و مشمول زندان می داند، بلکه اظهار نظر درباره مقامات حکومتی و روحانیون حکومتی را نیز توهین به اسلام تلقی کرده و مجازات آنرا زندان، جریمه و... تعیین کرده است.

بدین ترتیب، مجلس اسلامی توجیه قانونی را برای قوه مجریه (دولت کنونی و یا هر دولت دیگری) بمنظور سرکوب وسیع مخالفان حکومت، تحت عنوان لایحه تعزیرات فراهم آورده است! براساس این لایحه که دولت موظف به اجرای آنست، بسیاری از مطبوعات نیمه دولتی و یا غیر حکومتی با استناد به این لایحه باید تعطیل شوند، هر فرد سیاسی که با رادیوهای فارسی زبان خارج از کشور مصاحبه کند، باید راهی زندان شود، هر کس که به سود فلان حزب سیاسی ایران (با توجه به اینکه تمام احزاب واقعی مملکت غیرقانونی اعلام شده اند) تبلیغ و یا اظهار عقیده کند، باید به زندان برود و...

در ایران چه می گذرد؟

واقعیت اینست، که در پس پرده همه جنجال هائی که حکومت برای مبارزه با استکبار و غیر استکبار سر می دهد و تنوری که امریکا و دیگر قدرت های امپریالیستی به بهانه مخالفت با موجودیت جمهوری اسلامی نمی گذارند سرد شود، از هر دو سو طرحی هماهنگ برای تسلط کامل قشری ترین و ارتجاعی ترین جناح مذهبی طرفدار سرمایه داری تجاری وابسته بر ایران در جریان است.

این جناح توسط بلند پایگان خود و در نشریه ارگان خود "رسالت" بارها طرفداری کامل خویش را از لیبرالیسم اقتصادی مورد نظر امریکا اعلام داشته و خود را مجری بهتری به نسبت دولت کنونی معرفی کرده است. آنها خصوصی سازی لجام گسیخته در ایران و سپردن تمام ارکان حکومتی به بازار و بازاری و روحانیت طرفدار سرمایه داری تجاری وابسته را با هیچ نوع از آزادی ها (حتی آزادی بیان نظر مذهبیون داخل حکومت و نظام) سازگار نمی دانند و نه

آزادیخواهی مردم ایران را دارند. چرا که اگر غیر از این بود، مانند گذشته با سوءاستفاده از باورهای مذهبی مردم به یک تازی خود ادامه می دادند و نیازمند قانون و لایحه و خط و نشان کشیدن برای مردم نبودند، تا براساس آن کودتای خود را قانونی جلوه دهند.

بخش قابل توجهی از نیروهای مذهبی-سیاسی نیز اکنون به جنبش آزادیخواهی پیوسته اند و تدارک بینندگان کودتای قانونی از آن بیم دارند، که هنگام یورش به این جنبش با پاره ای مقاومت ها در میان نیروهای مسلح روبرو شوند. آنها با آگاهی از همین واقعیت، با گذراندن لایحه یورش کودتایی از تصویب مجلس، می خواهند این یورش را قانون جلوه دهند و هر نوع سرپیچی نیروهای انتظامی از اجرای آن را، سرپیچی از قانون جلوه دهند. بندهای مربوط به مجازات های شدید علیه کسانی که نیروهای نظامی-انتظامی را به تصرف تحریک کنند، از جمله با همین انگیزه در لایحه تعزیرات گنجانده شده است.

ما همه آزادیخواهان، میهن دوستان و مبارزان راه نجات ایران، را - با هرگرایش ملی، مذهبی و ایدئولوژیک - به افشای توپنه ضد ملی جدید حکومت و حمایت همه جانبه از جنبش آزادیخواهی در داخل کشور فرا می خوانیم!

مقامات مورد اعتماد انگلستان!

برداشتن آخرین گام ها سازمان می دهد. اگر حزب توده ایران خاکریز نفوذناپذیری بود، که بدون کمک مستقیم و صحنه سازی بین المللی سازمان های جاسوسی انگلستان یورش به آن امکان پذیر نبود، ویران کردن خاکریزهای دیگر در طی سال های اخیر (تا حد قتل ها و مرگ های مرموز) چندان دشوار نبوده است.

یورش به حزب توده ایران

یورش به حزب توده ایران، که با پرونده سازی مستقیم دستگاه های جاسوسی انگلستان و همکاری شبکه داخلی آن در جمهوری اسلامی انجام شد، سر آغاز بزرگترین چرخش در مسیر انقلاب ایران ارزیابی شده است. امروز سخن از نفوذ و قدرت انگلستان و دستگاه های اطلاعاتی-سیاسی آن در جمهوری اسلامی، نیازمند ارائه نشانه ها و مدارک سری نیست، زیرا این نشانه ها با مناسبات رسمی و دولتی درهم پیچیده است. اما بازخوانی نخستین مناسبات محرمانه بین بلندپایگان حکومت با سازمان های جاسوسی انگلستان و موقعیتی که آنها اکنون در جمهوری اسلامی دارند، می تواند همچنان راهگشای برخی تحلیل ها پیرامون تلاش گروه بندی رسالت و جمعیت مؤتلفه اسلامی برای قبضه کامل قدرت در جمهوری اسلامی باشد.

دنبال فرار و یا رنوده شدن افسر امنیتی سفارت اتحاد شوروی سابق در ایران، "گوزچکین" و انتقال وی به انگلستان (۱۳۶۱) چند سفر بسیار مهم از سوی چند چهره آشنا در جمهوری اسلامی به پاکستان انجام شد. دو تن از این چند چهره عبارت بودند از حبیب الله عسگراولادی (از رهبران قدیمی جمعیت مؤتلفه اسلامی و وزیر بازرگانی در کابینه میرحسین موسوی، که بعدها برکنار شد، اما اکنون نایب رئیس مجلس اسلامی و از چهره های پرنفوذ در جمهوری اسلامی محسوب می شود) و محمد غرضی (دریک دوره وزیر نفت و اکنون وزیر پست و تلگراف). در یکی از این سفرها، سرانجام آنچه در انگلستان و بنام گوزچکین جعل و تدارک دیده شده بود، در پاکستان در اختیار حبیب الله عسگراولادی قرار گرفت. این پرونده اتلجنس سرویس ساخته، مبنای یورش به حزب توده ایران قرار گرفت. در فصل پایانی کتاب خاطرات نورالدین کیانوری، که در سال ۱۳۷۱ در ایران منتشر شده، اطلاعاتی جالب و تاریخی (باتوجه به شرایط) در لابلای جملات در این ارتباط وجود دارد، که ما خواندن آنرا، بویژه در این شرایط که بلندپایگان جمهوری اسلامی هر کدام به نوعی سرگرم معامله و زد و بند و ارتباط گیری با شبکه های بین المللی جاسوسی و فراماسونی هستند، توصیه می کنیم. در این فصل و در صفحه ۵۲۸ بصورت سؤال و جواب می خوانیم:

«... بنظر شما، علت دستگیری شما در ۱۲ بهمن ۱۳۶۱ و انحلال حزب توه توسط نهادهای قضائی در اردیبهشت ۱۳۶۲ چه بود؟»

کیانوری: واقعیت این است، که در زمینه غیرقانونی کردن حزب توده ایران اینتلجنس سرویس انگلستان نقش اصلی را داشت و بسیاری زودتر از امریکائی ها دست به کار شد... مدتی پس از پناهندگی گوزچکین به انگلستان، اینتلجنس سرویس پرونده قطوری برای حزب توده ایران درست کرد و با واسطه دولت پاکستان به جمهوری اسلامی ایران (از طریق عسگراولادی و غرضی) تحویل داد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران براساس اطلاعات معمولی که گوزچکین طرح کرده بود، به دستگیری رهبران و کادرهای حزب توده ایران پرداخت...»

پاسخ به این سؤال بازمی گردد به درک همه میهن دوستان و طرفداران آزادی از اوضاع بسیار حساس کنونی ایران و افشای توپنه های حکومت در میان وسیع ترین اقشار و طبقات اجتماعی. هر جریان سیاسی، که با امید سقوط خود به خود حکومت از این دو عرصه غافل بماند، عملاً چشم ها را بر حقیقت بسته و سرنوشت ایران را به توپنه گران داخلی و خارجی سپرده است. افشای توپنه ها در میان مردم و قرار دادن جنبش در برابر حکومت، یگانه سلاحی است که مبارزان و آزادیخواهان در اختیار دارند. به همین دلیل دفاع از آزادی های محدود کنونی مطبوعات غیردولتی برای همه میهن دوستان و وظیفه ای تاریخی است. بنظر ما حکومت و بویژه جناح بندی رسالت-حجتیه (که اکنون نیز بعنوان متحد در دولت ائتلافی هاشمی رفسنجانی حضور دارد) از این حقیقت (رشد روزافزون آگاهی مردم و تمیق جنبش آزادیخواهی) آگاهی دارند و بهمین دلیل با تصویب لایحه تعزیرات، شتابزده قصد کودتا علیه جنبش

دستگاه های جاسوسی انگلستان از ابتدای پیروزی انقلاب تلاش همه جانبه ای را برای گسترش نفوذ عوامل خود در جمهوری اسلامی آغاز کردند. آنها برای این هدف، همه تجربه تاریخی انگلستان در ایران را به خدمت گرفتند. ارتباط با برخی جوامع و تشکل های مذهبی، بیرون کشیدن شبکه فراماسونی از زیر ضربه انقلاب و بازسازی سریع آن با استفاده از برخی مذهبپو و بویژه آن گروه از روحانیون، که بصورت سنتی پایگاه انگلستان محسوب می شدند، از جمله این تلاش هاست! شبکه ۳۰ هزار نفره سازمان ساواک ساخته ضد بهائیت (حجتیه) بیش از هر تشکل و سازمان دیگری مورد توجه قرار گرفت. این شبکه ابتدا سعی کرد بصورت علنی و با تائید رهبری مذهبی انقلاب اهرم های حکومتی را در اختیار بگیرد، اما این تلاش به جانی نرسید. در سال ۵۸ آیت الله حائری شیرازی به نمایندگی از سوی آیت اله به ظاهر گمنام، اما پر قدرت در جمهوری اسلامی، "شیخ محمود حلبی"، با آیت الله خینی دیدار کرده و اعلام داشت که شبکه ۳۰ هزار نفره حجتیه می تواند در اختیار وی قرار گیرد. آیت الله خینی با آگاهی از آلودگی این تشکیلات به ساواک شاهنشاهی و سازمان های جاسوسی انگلستان، این پیشنهاد را رد کرد، اما گفت که آنها اگر بخواهند می توانند به جمهوری اسلامی خدمت کنند. آنها این خدمت را کردند! درخت انقلاب را از ریشه کنند!

فصل مربوط به گسترش تشکیلات مافیائی حجتیه در جمهوری اسلامی و آنچه که در سال های پس از پیروزی انقلاب از جنایت و خیانت ملی انجام داده است، فصل بسیار مهمی از تاریخ معاصر میهن ماست. همین شبکه اکنون گروه بندی سیاسی و نیمه علنی خود، یعنی رسالت را برای رسیدن به قدرت کامل در جمهوری اسلامی حمایت می کند. در پشت این حمایت و آنها که بعنوان مامور و معنور، این وظیفه را در ایران پیگیرانه دنبال می کنند، کدام دست های بین المللی پنهان است، در جزئیات مشخص نیست، اما در کلیات آن قابل حدس و گمان نزدیک به حقیقت است! این حمایت و هدایت می خواهد، در صورتیکه نتوانست حکومتی رضاشاهی بر آن حاکم کند، ایران را به کلام یک جنگ داخلی ر حتی تکه پاره شدن ایران بکشاند. اینکه کسانی با حسن نیت و فارغ از این وابستگی ها نیز آلت اجرای این سیاست در جمهوری اسلامی شده اند و یا بالعکس، هرگز تأثیری در نتیجه امر ندارد. در تمام دوران سلطنت قاجاریه نیز بسیار بودند رجال و بلند پایگانی، که وابستگی مستقیم بین المللی نداشتند، اما در کنار دیگرانی که این وابستگی و ماموریت ها را داشتند، تا لحظه سقوط در برتگاه خیانت، گام برداشتند. در دوران سلطنت پهلوی ها نیز به اشکال دیگری این ناجعه دنبال شد.

سرکوب آزادی ها و گسترش تشکیلات مخفی از سوی کسانی که اهرم های قدرت حکومتی را در جمهوری اسلامی در اختیار دارند، هدفی جز اجرای همین ماموریت را ندارد. این شبکه سدهای سر راه خویش را با سرعتی نگفت انگیز برداشته است و اکنون در ایران خونین ترین صحنه سازی ها را برای